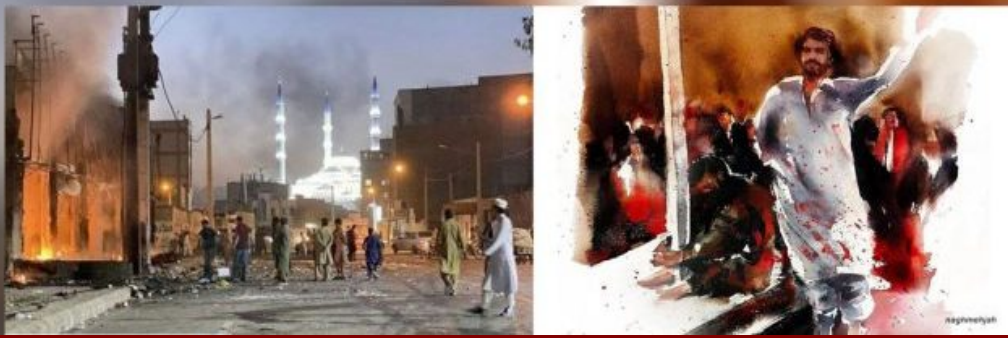


جمعه خونین زاهدان در تاریخ انقلاب ما ثبت است

مروری بر رویدادها و اعتراضات روزهای اخیر در سیستان و بلوچستان، شهلا دانشفر، صفحه ۶



قاتلان جمعه خونین را رها نخواهیم کرد

تاریخ بیش از چهل سال حاکمیت اسلامی تاریخ جنایت و چپاول است. اما روزها و سالهایی به عنوان سمبل کل این جنایات در تاریخ جامعه ثبت شده است. روزهایی که فراموش نمیشود. روزهایی که خشم را زنده نگه میدارد. روزهایی که مردم میلیونی را به حرکت فرا میخواند. جمعه خونین زاهدان یکی از آن روزهاست. زخمی که بر قلب مردم زاهدان نشست، زخمی بر قلب تمام مردم بود. حکومت قاتلان اسلامی را در ادامه انقلابمان به زیر خواهیم کشید. هیچ درجه لشکر کشی و جنایت و زندان نتوانسته و نخواهد توانست عزم ما مردم بجان آمده را برای سرنگونی این حکومت و محاکمه سران و دست اندرکارانش تضعیف کند. زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه ای انسانی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ مهر ۱۴۰۲، ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۳

تظاهرات انبوه مردم زاهدان به مناسبت سالروز جمعه خونین

حکومت به صف تظاهر کنندگان تیراندازی کرد، صفحه ۳

منصور فکور: در محکومیت احکام گستاخانه علیه ۱۷ کارگر گروه ملی فولاد اهواز صفحه ۸

مهران محبی: جنگ عربان میان حکومت و مزدبگیران صفحه ۹

تجمعات اعتراضی پرشور بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد

حضور خانواده ها در تجمع بازنشستگان در شوش، صفحه ۱۲

تجمعات بازنشستگان کشوری، اعتصاب کارگران رسمی نفت فلات قاره و دو خبر دیگر صفحه ۱۰

۵ مهر: تجمع و اعتراض بازنشستگان تامین اجتماعی و کارگران آبفا در شوش صفحه ۱۰

تجمع اعتراضی کارکنان مخابرات استان آذربایجان شرقی و فولاد خزر صفحه ۱۳

برگرفته از مدیای اجتماعی

محکومیت کارگران معترض در گروه ملی، اقدامی وحشیانه علیه همه کارگران است، صفحه ۱۳

محکومیت کارگران معترض به شلاق و زندان گستاخی و توحش است

۱۷ کارگر گروه فولاد به زندان و شلاق محکوم شده اند

کمپین برای آزادی کارگران زندانی، صفحه ۱۴

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۹۹

۱۰ مهر ۱۴۰۲

۱۲ اکتبر ۲۰۲۳



دوشنبه ها منتشر میشود

حضور قاطع طبقه کارگر در انقلاب زن زندگی آزادی

یاشار سهندی، صفحه ۴

خانواده های دانش

آموزان، معلمان آزاده

اصغر کریمی، رئیس هیئت

اجرایی حزب کمونیست

کارگری، صفحه ۲

احکام زندان و شلاق علیه

کارگران فولاد باید فوراً لغو

شود صفحه ۲

دادگاه کارگران آق دره

امروز برگزار شد

شهلا دانشفر، صفحه ۴

کارگران در هفته ای که

گذشت صفحه ۱۱

تنظیم کننده: سهیلا رضوانی

اعتصاب چهار هزار کارگر

کارخانه آلومینیوم سازی

اراک صفحه ۷

خانواده های دانش آموزان، معلمان آزاده اصغر کریمی، رئیس هیئت اجرایی حزب کمونیست کارگری



کند. شادی و رقص و موسیقی میخوانند و حکومت و مزدورانش در مدارس آنها را تهدید میکنند. کودکانمان در مدارس کوتاه نمایند و اعتراضشان را شروع کرده اند. به یاری آنها برخیزیم. نگذاریم تنها به جنگ مقررات تحمیلی بروند. از همین شروع سال باید در مقابل مقررات حکومتی ایستاد و تک تک مقرراتشان را بر سرشان خراب کرد.

صدها هزار معلم شریف و معترض نشان داده اند که در کنار محصلان هستند و آنها هم به این مقررات شدیداً اعتراض دارند. حکومت در مقابل این جمعیت عظیم انسانهای معترض و منتفر از این نظام، بشدت ناتوان است و توان مقابله با آنها را ندارد. بلند شوید، تجمع کنید و اعلام کنید که حتی یک دوربین هم نباید در هیچ گوشه ای از مدرسه نصب شود. اعلام کنید و بخواهید که مدیران و معلمان قبلی را به جای خود برگردانند و مدیران جدید را بیرون کنند. اعلام کنید که بچه هایمان مقعنه و حجاب اجباری را نمیخوانند و تحمل نمیکند. اعلام کنید که بجای آخوند و تدریس خرافه، کودکانمان دروس علمی و رقص و شادی و موسیقی میخوانند. رژیم تاب مقاومت در مقابل شما را ندارد. امسال سال سرنگونی حکومت منحوس اسلامی است. بلند شویم و در قدم اول از بچه هایمان در مدارس تمام قد دفاع کنیم. ۵ مهر ۱۴۰۲

احکام زندان و شلاق علیه کارگران فولاد باید فوراً لغو شود

شود. نباید اجازه داد مشتاقان و جنایتکار و میلیاردر مفتخور علیه کارگران شریف فولاد و علیه هیچ انسان دیگری چنین احکام رذیلانه ای صادر کنند. جامعه علیه همین جنایتها و علیه حکومت شلاق و زندان و اعدام پیاخته است و باید با تمام قوا در کنار کارگران فولاد قرار گیرد و علیه این گستاخی و بیشرمی دستگاه قضایی آیت الله های دزد و بیشر قد علم کند.

حزب کمونیست کارگری همه مردم شریف و آزاده در سراسر کشور، دانشجویان و کارگران انقلابی، معلمان و بازنشستگان معترض، نویسندگان و هنرمندان و همه انسانهای آزاده و مخالف حکومت و در پیشاپیش آنها کارگران فولاد را فرامیخواند قاطعانه این احکام را محکوم کند و حکومت و سیستم قضایی اش را وادار کند که این احکام را لغو کند و از کارگران رسماً عذرخواهی کند. باید جانینان حاکم حالی شوند که دوره این غلط کردنها گذشته است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۶ مهر ۱۴۰۲، ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۳

حتماً شنیده اید که تعدادی از معلمان دبیرستان دخترانه فرزنانگان در تهران و مدیر قبلی این مدرسه را برکنار کرده و مدیر جدیدی به جای او به این مدرسه آورده اند و این مزدور حکومت برای کنترل دانش آموزان حتی در سرویس های بهداشتی مدرسه هم دوربین کار گذاشته. خانواده ها و دانش آموزان این مدرسه امروز دست به تجمع اعتراضی زدند و مدیر حکومتی مجبور شد دوربین ها را جمع کند. خانواده ها و دانش آموزان خواهان برکناری مدیر جدید و بازگرداندن مدیر و معلمان قبلی هستند.

روشن است که حکومت متحجر و ضدانسان اسلامی چه در سر دارد. رضا مراد صحرایی، وزیر آموزش و پرورش حکومت گفته بود: «امسال نزدیک به ۲۰ هزار مدیر مدرسه تغییر کردند تا در مدارس تحول ایجاد کنند. (این تحول یعنی اذیت و آزار بیشتر دانش آموزان، یعنی کنترل و تقشیر عقاید بیشتر، یعنی تدریس خرافات و سختگیری در مورد پوشش دانش آموزان، یعنی تهدید و ترساندن بچه ها از رقص و شادی و انتقاد و اعتراض. حکومت سال قبل با حمله شیمیایی به جان بچه هایمان افتاد حریفشان نشد. امسال خواب های بدتر دیده است. چون میدانند که همه دانش آموزان مثل یک بمب اعتراض هستند. میدانند که در جیب هر دانش آموزی یک ماژیک برای شعار نوشتن و یک تراکت برای پخش کردن هست. میدانند که با میلیون ها دشمن در مدارس طرف است. در مغز پوسیده شان فکر میکنند میتوانند با دوربین و دروس خرافی و مقنعه اجباری این دشمن چند میلیونی را ساکت کنند.

والدین دانش آموزان مدرسه فرزنانگان و دخترانشان مدیر جدید را مجبور به عقب نشینی کردند. اما کار به همینجا ختم نمیشود. این رژیم شیرازه امورش از هم گسیخته است و آخرین روزهای عمرش را میگذراند. نباید اجازه دهیم کودکانمان را اینچنین مورد کنترل و اذیت و آزار قرار دهند. دانش آموزان از دانش آموز شش ساله تا دبیرستانی و دانشگاهی هیچ مقررات حکومتی و اسلامی را تحمل نمیکند. اعتراض از مدرسه فرزنانگان شروع شد اما بسرعت مانند موجی به تک تک مدارس میرسد. بچه ها آخوند و مقررات اسلامی را قبول نمیکند و حکومت میخواهد آنها را ساکت

۱۷ کارگر معترض گروه فولاد اهواز به اتهام "اخلال در نظم عمومی از طریق ایجاد هیاهو و جنجال" به زندان، شلاق و پرداخت جریمه محکوم شده اند. پرونده محاکمه این کارگران، با شکایت "شرکت صنعتی و بازرگانی شفق راهیان اکسین" و گزارش حراست این شرکت و کلا بر اساس شکایت کارفرمای گروه ملی فولاد ایران تشکیل شده است.

فولاد اهواز برای سالیان طولانی یکی از مراکز قدرتمند اعتراض بوده است. کارگران فولاد بارها با گسترش اعتراضشان به خیابانهای اهواز و فریاد بلند "ما کارگران فولاد، علیه ظلم و بیداد می جنگیم می جنگیم"، "کشور ما دزدخونه است توی جهان نمونه است"، اهواز را به یک کانون داغ اعتراضات کارگری تبدیل کرده اند. دستگاه قضایی ضد کارگری حکومت هم این احکام گستاخانه را برای انتقام از این کارگران معترض صادر کرده است.

احکام شلاق علیه کارگران باید کل جامعه انقلابی را تکان دهد. اگر چه احکام شلاق را از ترس واکنشهای اعتراضی جرات نمیکند عملی کنند و آنرا به مدت سه سال به حالت تعلیق درآورده اند، اما صرف اعلام چنین احکام شنیعی علیه کارگران فولاد اهواز، یک گستاخی آشکار حکومت علیه کارگران است و باید فوراً پس گرفته

تظاهرات انبوه مردم زاهدان به مناسبت سالروز جمعه خونین حکومت به صف تظاهر کنندگان تیراندازی کرد



در جمعه های بعد هم، در شهرهای دیگر مثل خاش مردم به گلوله بسته شدند. یکی از جانباختگان جمعه خونین زاهدان خدانور لجعی است که عکس او در مدیای اجتماعی در حالی که دستهایش را به تیر چراغ بسته بودند و نیروهای سرکوبگر مرگ تدریجی او را نظاره میکنند بازتاب یافت و به چهره این قربانیان جمعه خونین تبدیل شد. و امروز در مدرسه و در دانشگاههای سراسر کشور جوانان انقلابی با اکت های خیابانی خود و نشست بر روی زانو به شکلی که خدانور تیر چراغ برق بسته شده بود، یاد او و یاد همه جانباختگان انقلاب را گرامی میدارند.

فراخوانها بسیاری برای گرامیداشت یاد جانباختگان جمعه خونین زاهدان از سوی دادخواهان، دادخواهان سیستان و بلوچستان و شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی و دیگر نهادهای مردم داده شده است. امروز به اعتراض خیابانی وسیع سیستان و بلوچستان و شعار نویسی های حمایتی در همه شهرها و حمایت وسیع مردمی از مردم سیستان و بلوچستان و فردا اعتصاب عمومی در این استان مضمون این فراخوانهاست. بدین ترتیب در دیوار شهرهای مختلف از جمله محلات مختلفی از تهران، تبریز، و شهرهای کردستان با شعارهایی در حمایت از مردم سیستان و بلوچستان و گرامیداشت یاد جانباختگان جمعه خونین زاهدان پر شده است. در خارج کشور نیز در کشورهای مختلف فراخوان به تجمع و تظاهرات داده شده است. مدیای اجتماعی نیز مملو از اعتراض به کشتار جمعه خونین زاهدان و در همبستگی با مردم این استان است. در دانشگاهها و مدارس دانشجویان و جوانان در اشکال مختلفی و با پرپورمنس هایشان یاد جانباختگان جمعه خونین را گرامی داشته اند. دادخواهان برای فردا شب که سالروز جمعه خونین است فراخوان به اعتصاب عمومی داده اند. حزب کمونیست کارگری یاد جانباختگان جمعه خونین زاهدان و همه جانباختگان انقلاب زن زندگی آزادی را گرامی داشته و مردم در تمام استانها را به حمایت و همبستگی وسیع با مردم سیستان و بلوچستان این کانون داغ انقلاب زن زندگی آزادی و همراهی با فراخوان آنها برای اعتصاب عمومی فردا فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ مهر ۱۴۰۲، ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۳

امروز هفتم مهر ماه یکروز مانده به سالگرد جمعه خونین زاهدان، روز مهم اعتراضی دیگری در تداوم انقلاب رقم خورد. در این روز علیرغم قشون کشی بسیار حکومت اسلامی از شهرهای دیگر به استان سیستان و بلوچستان و نظامی کردن شهرها از مدتها پیش، از همان آغاز صبح جمع های اعتراضی مردم در زاهدان شکل گرفت و شعاردهی ها آغاز شد. حکومت اسلامی با بستن خیابانها و محاصره مسجد مکی و بنا بر خیرها با استقرار نیروی انتظامی در ۷۰ نقطه شهر تلاش فراوانی کرد که جلوی تظاهرات خیابانی مردم را بگیرد. اما جمعیت انبوه مردم خشمگین و معترض در گرامیداشت یاد جانباختگان جمعه خونین در این شهر بی توجه به لشکر اوباش، به خیابان آمدند و با فریاد شعارهای سرنگونی علیه حکومت قاتلان، و با سر دست گرفتن بنرهای اعتراضی شان شهر و مسجد مکی را که در محاصره سرکوبگران حکومت بود به صحنه اعتراض خود تبدیل کردند. در مسیر خیابان مردم با دست نوشته هایی که روی آنها نوشته شده بود که ترسی از نیروی انتظامی ندارد و توپ و تانک و فشفتی تاثیری ندارد، و پخش آن در میدیای اجتماعی پاسخ سرکوبگران حکومت را دادند. طبق گزارشات تا کنونی علاوه بر زاهدان در این روز در دیگر شهرهای استان از جمله در شهرهای سوران، راسک، تفتان، و خاش نیز مردم وسیعا به خیابان آمدند و شعارهای ضد حکومتی سر دادند. در این اعتراضات شعارهای اعتراضی مردم عمدتا معترضین با شعارهایی دادخواهانه، علیه جمهوری اسلامی و علیه شخص خامنه ای، سپاه و بسیج، و علیه ولایت و سلطنت بود. مردم از جمله شعار میدادند: "مرگ بر دیکتاتور"، "بسیجی، سپاهی، داعش ما شمایی"، "مرگ بر خامنه ای"، و "قسم به خون یاران ایستاده ایم تا پایان".

بر اساس خبرهای منتشر شده در این روز سرکوبگران حکومت به صفوف مردم یورش برده و با پرتاب گاز اشک آور سعی در پراکندن جمعیت کردند و مردم با آنها درگیر شده و در جاهایی خیابانها را بسته و در جاهایی سرکوبگران را فراری داده اند. همچنین طبق گزارشات تا کنونی در اثر تیراندازی با سلاحهای نیمه سنگین به سوی مردم از سوی جانین اسلامی ۲۳ نفر زخمی شده اند که چهار نفر از آنان کودک هستند. همچنین خبرها از دستگیریهای فله ای در مناطقی از زاهدان همچون کوثر، خیام، کشاور گزارش میدهند.

این چنین است که مردم در زاهدان و در استان سیستان و بلوچستان جانانه در مقابل حکومت جنایتکار اسلامی ایستاده و با شعار "قسم به خون یاران ایستاده ایم تا پایان" تداوم انقلاب را فریاد میزنند.

سالروز "جمعه خونین" در زاهدان، سالروز جنایت هولناکی در این شهر از سوی حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی در روز هشتم مهر مه سال ۱۴۰۱ است که برای همیشه در پرونده جنایت این رژیم ثبت شده است. سال گذشته در چنین روزی، در متن انقلاب زن زندگی آزادی مردم در زاهدان و دیگر شهرهای سیستان و بلوچستان در اعتراض به تجاوز فرمانده نیروهای انتظامی به یک دختر ۱۵ ساله در شهر چابهار تظاهرات بزرگی داشتند و نیروهای جنایتکار رژیم با شلیک مستقیم گلوله بسوی مردم معترض دهها نفر را بی رحمانه به قتل رساندند. و نه تنها در این روز بلکه



حضور قاطع طبقه کارگر در انقلاب زن زندگی آزادی

یاشار سهندی



خواب نما شدن جامعه نیست بلکه نشان وجود یک جنبش کمونیستی کارگری قوی است که چهار دهه است بخاطر تک تک اینها جنگیده است که این خواستها در جامعه زنده و مطرح است. ایشان نه اینکه این بحثها را نشنیده باشند، موضوع این است با وجود اینکه خود را متعلق به چپ جامعه میدانند اما این چپ را چنان ضعیف و خفیف می شمارند که در نتیجه نه خود را و نه قدرت چپ اجتماعی را باور ندارند.

لابد الان مچ ما را خواهند گرفت: "پس چرا یک فراخوان نمی دهید؟! (لابد دهن کجی برای ما میکنند!) طرف خودش را از هر چی کار حزبی معاف کرده است، "مارکسیستهای ایرانی" توی شش و بش این است که مثلا مارکس چرا فصل طبقه در کاپیتال را کامل نکرده و در بدر دنبال معنی طبقه است و یا اینکه انگلس چقدر حق داشته به عنوان ویراستار کارهایی را بکند یا نکند، یا اینکه مارکس در کاپیتال به چه اندازه دین خود را به "استادش هگل" ادا کرده است. یا اینکه طرف هنوز امریکا را امپریالیسم جهانخواه میدانند، یا تجربه شکست انقلاب ۵۷ چنان روح و روانش را در هم کوفته که هر اتفاقی و تحولی را امتیازش را به حساب راست سلطنت طلب واریز میکنند... این چنین کسانی انتظار دارند یک جامعه ای که زیر شدیدترین سرکوبها، بخصوص سرکوب کار متشکل حزبی سیاسی در سرتاسر قرن گذشته بوده اکنون بخشی وسیعی از آن در یک حزب کمونیستی متشکل باشد و به فراخوانش پاسخ دهند. (البته اگر "آحاد جامعه" عضو یک حزب کمونیستی باشند نزد ایشان تشکیک بزرگی ایجاد میکند که این حزب "طبقه" هست یا خیر!) هر چند بخشهایی از این جغرافیا که نام ایران بر خود گرفته مثل کردستان مردم بدرجه زیادی تحزب یافته اند. چرا که در فرصتهای تاریخی مناسب احزاب توانسته اند میخ خود را بکوبند و تحرکات توده ای داشته باشند و در سازماندهی مبارزات مردم موفق عمل نمایند.

اما در جاهای دیگر ایران، سواي سرکوب وحشیانه، این مثلا "اندیشمندان" از چپ و راست به هزار و یک بهانه کار حزبی را بدترین کار عالم سیاست تعریف کرده اند. و تا آنجا پیش رفته اند که اساسا "زن ایرانی" را معیوب یافته اند به این معنی که "ایرانی جماعت" اهل کار دسته جمعی نیست و مثال پیش پا افتاده هم دارند: "بینید در ورزشهای انفرادی ورزش ایران حرف برای گفتن دارد، اما در ورزشهای گروهی هر کی به فکر خودش است!" یا تصویر خیلی خوفناکی از کار حزبی می دهند و شاهد مثال هم حزب فاشیستی هیتلری نیست، بلکه حزب کمونیست استالینی و پل پوتی است! همین روزها رسانه های راست یک تصویر رومانیتیک از احزاب حاکم بر امریکا می دهند: "بینید با هم چقدر سخت رقابت می کنند علیه همدیگر فحش می دهند اما بعد می روند به سلامتی هم آبجو میزنند! (اصلا هم بروی مبارک خود نمی آورند وقتی آب سر بالا میروند اگر لازم شد "پرزیدنت" را ترور میکنند یا سکه یک پولش می سازند، یا فلان نماینده کنگره به دلیلی که هیچوقت معلوم نمی شود هواپیمایش در عمق اقیانوس ناپدید میگردد. به مردم یادآور نمیشوند که کاندیدا شدن برای چنین مجالسی و دیگر جاها بسته به ضخامت کیف پولت است یا اینکه چگونه از کلفت تر شدن ضخامت کیف پول طبقه خاصی از جامعه دفاع میکنند.) اما در

این ایام، هر روزمان یادآور کشته شدن عزیزانی در چهارگوشه این مملکت است. تلاش برای زنده نگه داشتن یاد جانباختگان انقلابی جاری و در حال تحول، تلاشی و اقدامی در تداوم و عمق بخشیدن به آن است. این یادبودها فرصتی برای تداوم اعتراض است. رژیم همه امکانات نظامی و انتظامی و امنیتی خود را بسیج کرده و به هیچ بنی بشری رحم نمی کند. هرکس را که حس کند می تواند کاری کند و دسترسی به آن شخص دارد، نه شبانگهان به شیوه کلاسیک پلیسی، بلکه سحرگهان و دم دمای صبح به خانه ها یورش می برد و هر چیزی که مانع ورودشان است را در هم می شکنند تا ترسی که در وجود خودش نهادینه شده شاید به مبارزان و خانواده های آنان انتقال دهد. اما دیگر هیچکدام از اینها افاقه نمی کند. از دانش آموز تا کارگر، از زنان تا بازنشستگان هر کدام به شکلی اعتراض خود را علنی می کنند. و یا در جایی مانند زاهدان همه سدهای امنیتی را مردم شهر در هم می شکنند و به مقابله با سپاهیان خونریز اسلام برمی خیزند. جنگ عظیم در بطن جامعه در جریان است که از چشم هیچکس پنهان نیست.

در بطن همچنین شرایطی، هستند کسانی که با ذره بین دنبال رد پای "طبقه کارگر" در تحولات یکساله اخیر هستند و عموما به این نتیجه میرسند: "از طبقه متشکل خبری نیست!" بگذریم که ایشان اساسا از همان اول هم دست را به اپوزیسیون راست باخته بودند و عملا طبقه کارگر را به عنوان "قشر خاکستری" قبول کردند که هنوز تصمیم اش را نگرفته است و این پا و آن پا میکند تا در خیابان حضور بهم رساند یا خیر! بگذریم چنین اشخاصی حتی باور نداشتند که چپ اجتماعی وجود دارد که پر قدرت در صحنه باشد؛ اما ظاهرا این اواخر متوجه این چپ شده اند.

درنگاه ایشان حضور "طبقه کارگر" یعنی اینکه کارگران با بنر و پلاکارد و صف جدا در خیابان حضور داشته باشد و در کارخانه اعتصاب کرده باشد تا مفهومی از طبقه در ذهن ایشان شکل بگیرد! این "مارکسیستهای ایرانی" و "سوسیالیستهای مارکسی" و حتی کسانی که خود را متعلق به جنبش کمونیسم کارگری میدانند هیچ رقمه راضی نمی شوند که حضور "طبقه کارگر" را حس کنند مگر اینکه فردا روزی مثلا تو جاده مخصوص کرج به سمت میدان آزادی تهران، کارگران بازو در بازوی هم انداخته باشند و سرود خوانان (ترجیحا انترناسیونال) در حرکت باشند. این هم البته کافی نیست حتما باید تشکیلات کارگری با اسم و رسم در محل حضور داشته باشد و گر نه این حرکت هر چی هست الا "حضور طبقه کارگر"؛ این حرکت شاید شایسته تقدیر باشد اما از همان اول "بدلیل عدم وجود تشکل مستقل کارگر از نقطه ضعف بزرگی رنج میرد!" مثال و تجربه هم دم دست دارند انقلاب اکتبر ۱۹۱۷! بلشویکها را چماق کرده اند تا بزنند تو سر "طبقه کارگر" که ازش انتظار دارند مثل "یک طبقه" رفتار کند: "یعنی چی به صورت آحاد در اعتراضات شرکت دارید باید متشکل بود و پرچم داشت!" فراموش میکنند که بلشویکها قبل از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ کجای نقشه سیاسی روسیه بودند و چپ کمونیستی کارگری ایران الان کجاست.

حالا شما صد بار بگو: عزیز جان! اینکه توده مردم در کف خیابان آزادی و برابری را طلب می کنند، اینکه ضد تبعیض هستند، اینکه معیشت و منزلت خود را طلب میکنند، اینکه نابودی فقر و فساد را در سرنگونی حکومت اسلامی سرمایه جستجو میکنند، اینکه علیه حقوقهای نجومی و فلاکت عمومی شعار می دهند، اینکه علیه اعدام هستند، اینکه قوی ترین جنبش ضد مذهبی دنیای معاصر در ایران شکل گرفته است، و اینکه کارگر بیزاری خود را استثمار بیان میکند، اینکه رهایی زن به معنی واقعی کلمه معیار رهایی جامعه شده و اینکه زن زندگی آزادی را شعار اصلی انقلاب خود می دانند و... نشان دهند یک چپ قوی است؛ و اینکه این چپ قوی نتیجه



دادگاه کارگران آق‌دره امروز برگزار شد

شهلا دانشفر

امروز پنجم مهرماه دادگاه ۶ کارگر معترض معدن تراورتن آق‌دره در استان آذربایجان غربی برگزار میشود. اتهامات این کارگران "اخلال در نظم عمومی"، "اقدام علیه امنیت داخلی کشور" و "آدم ربایی" است. آنها در جریان یورش سرکوبگران حکومت به تجمع اعتراضی کارگران معدن آق‌دره و مردم این روستا در مرداد ماه بازداشت شده‌اند. شش کارگر بازداشتی آق‌دره باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. حمایت مردم در منطقه و اعلام همبستگی چند هزار کارگر شاغل در معادن آق‌دره میتواند فشار موثری برای آزادی این کارگران باشد.

معادن آق‌دره معادنی سرشار از ثروت هستند که دارو دسته‌های حکومتی آنها را در قبضه دارند و با استثمار حداکثری حکم می‌رانند. قراردادهای موقت و اخراج کارگران در پایان هر فصل کاری، استخدامهای گزینشی از خودی‌ها و سرکوب هر صدای اعتراضی که بلند شود، سیاست جاری در این منطقه است. معدن تراورتن یکی از همین معادن است که عباس و مجید نیری دو برادر و عضو سپاه پاسداران صاحبان آن هستند.

اعتراضات کارگران معدن تراورتن آق‌دره امسال بدنبال اخراج تعدادی از کارگران فصلی این معدن به بهانه "عدم فعالیت در زمستان" آغاز شد. حال آنکه در شروع کار وعده استخدام ۲۸۵ نفر از مردم روستا داده شده بود ولی عمل نشد و بیشترین استخدامها از خودی‌ها یا افراد وابسته صورت گرفت. بعلاوه تأثیرات مخرب زیست محیطی معدن و آلودگی آب آشامیدنی به مواد معدنی موضوع اعتراضی دیگر مردم منطقه است.

از همین رو در هشتم مرداد کارگران فصلی اخراجی معدن تراورتن در همراهی با مردم روستا تجمع اعتراضی داشتند که با حمله وحشیانه نیروهای انتظامی روبرو و تعدادی بازداشت شدند. سحرگاه روز بعدش نیز بیش از یکصد نیروی انتظامی و گارد ویژه به آق‌دره یورش بردند و با ضرب و شتم و مجروح کردن مردم تلاش کردند فضای رعب را تشدید کنند. دست آخر هم ۳۲ نفر بازداشت شدند. ۲۶ نفر آنها با قید وثیقه آزاد و شش نفر دیگرشان در زندان ارومیه باقی ماندند و اکنون تحت محاکمه قرار دارند. خانواده‌های بازداشت شدگان و مردم روستا پیگیر وضع شش کارگر بازداشتی هستند.

معدن آق‌دره نمونه‌ای از بساط چپاول و غارت حکومت در محیطهای کار در پرتو قانون کار و در همیاری نیروهای سرکوب است. این بساطی است که امروز کل جامعه با فریاد زن زندگی آزادی علیه اش به پا خاسته و میخواهد به صد سال بربریت و استثمار حاکم خاتمه دهد. جمهوری اسلامی باید گورش را گم کند و برود.

مندرج در ژورنال شماره ۵۳۵

حضور قاطع طبقه کارگر در ...

از صفحه ۴

ایران چه؟ احزاب ایرانی و شخصیت‌های سیاسی ایرانی هر کسی فکر منافع خودش است! در این میان معلوم نیست اگر قرار است کسی به فکر دفاع از منافع رقیبش باشد چرا اصلاً در حزب یا سازمان و یا انجمن و گروه رقیب مشکل است! بگذریم بحث به جای دیگر رفت، اما لازم بود!

یادش به خیر منصور حکمت یک وقتی گفت: "... یک نکته دیگر که ظاهراً و گویا از تئوری به ما صادر شده این است که پروسه قدرت‌گیری سیاسی مثل پروسه کاشتن یک درخت است، به این معنی: کمونیستها شروع میکنند به کار در میان طبقه کارگر، تبلیغ، ترویج، سازماندهی میکنند و در طبقه نفوذ میکنند. طبقه را به تدریج سازمان میدهند. عناصر و محافل درون طبقه کمونیست میشوند. قدم به قدم این قدرت و نفوذ افزایش پیدا میکند. قدرت آکسیونی پیدا میکنند. قدرت تظاهرات پیدا میکنند و در طول این پروسه رابطه حزب و طبقه چنان تحکیم میشود که حزب میتواند طبقه کارگر را به قیام بکشد و انقلاب را سازمان دهد و قدرت را بگیرد. این تئوری چپ و تصور عمومی از کار کمونیستی است."

و حضور "طبقه کارگر" در انقلاب جاری هم یک جورهای مانند کاشتن درخت قدرت سیاسی است. اول باید تبلیغ و تهییج صورت بگیرد بعد سازماندهی شوند بعد یک کسی یا ارگانی باید میزان "آگاهی سوسیالیستی" و شکل‌گیری "افق سوسیالیستی" را اندازه بگیرد و اوکی نهایی را بدهد. هنوز موضوع خاتمه یافته نیست. بعد حتماً حزب طبقه کارگر باید "مستقل" باشد و بعد هم در حضور خیابانی در حضور خیل درندگان نیروهای امنیتی پلاکارد تشکیلاتش را بالای سر ببرد. شاید آنموقع اگر "نقطه ضعفی" بود نادیده گرفته شود! تازه همه اینها منوط به این است که در "جنبش سرنگونی" خودش را بی وظیفه بداند حتی اگر دو دستی قدرت را به ایشان دادند باید پس بزند چون هنوز "انقلاب اجتماعی طبقه کارگر" روی زمین مانده است!

اندیشمندان چپ و راست وقتی از حضور "طبقه متوسط" در تحولات حرف می‌زنند خیلی دست و دل باز هستند و اصلاً هیچ شرط و شروط تشکیلاتی به میان نمی‌کشند همین که یک شعاری در یک گوشه‌ای به زعم ایشان بوی خواسته "طبقه متوسط" را بدهد هزار و یک تفسیر از آن ارائه میدهند که پیش فرض آن این است که طبقه متوسط حضور فعالی دارد. اما به "طبقه کارگر" که می‌رسند همه راههای فرار را میندند و اولین سوال که به قول منصور حکمت از تئوری صادر شده خطاب به طبقه این است "کو تشکل مستقلت!"

اما حقیقت این است که طبقه کارگر به صورت آحاد در اعتراضات حضور دارد و حضور قوی هم دارد و در عین حال احزاب کمونیستی هم هستند و احزاب کمونیستی یک گرایش معین در طبقه کارگر را نمایندگی میکنند. وجود یک حزب کمونیستی یعنی حضور سیاسی طبقه کارگر در تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه. هیچ حزب سیاسی (چه چپ، چه راست) اگر انعکاس مطالبات و منافع یک بخش از جامعه نباشد نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. و این حضور چنان قدرتمند است که تا اینجا توانسته چپ اجتماعی قوی را شکل بدهد که تا کنون هر تلاش حکومت و اپوزیسیون راست را به شکست بکشاند. یکی با کشتار حاکمیت را بدست دارد و دیگری با وعده سرکوب بیشتر در انتظار رسیدن به قدرت است. و این حضور و تلاش احزاب کمونیستی و بطور مشخص حزب کمونیست کارگری صد چندان ضروری ساخته تا فرصت تاریخی که فراهم شده تا طبقه کارگر در ایران به قدرت سیاسی دست یابد را به سرانجام رسانند. وجود حزبی مثل حزب کمونیست کارگری نشانه حضور قاطع طبقه کارگر در تحولات ایران است.



جمعه خونین زاهدان در تاریخ انقلاب ما ثبت است مروری بر رویدادها و اعتراضات روزهای اخیر در سیستان و بلوچستان

جمعه خونین زاهدان یک روز فراموش نشدنی در تاریخ این کشور در کارنامه پر از جنایت حکومت منفور اسلامی است و همیشه در اذهان مردم میلیونی و در دل تاریخ این کشور حک شده است و فراموش نخواهد شد. در هفته جاری و هفته های قبل از آن جنب و جوش گسترده ای در زاهدان و سیستان و بلوچستان در آستانه سالگرد این روز به جریان افتاد.

روز جمعه هفتم مهر ماه مردم در زاهدان و چند شهر دیگر استان سیستان و بلوچستان از جمله سوران، راسک، تفتان، خاش، چابهار و روستای قلعه بید واقع در بخش کورین شهرستان زاهدان به خیابان آمدند و با فریاد شعارهای ضد حکومتی یاد جانباختگان جمعه خونین زاهدان را گرامی داشتند. بنا بر فرخوان از قبل اعلام شده در روز بعد هشتم مهرماه که سالگرد جمعه خونین بود مردم در زاهدان و دیگر شهرهای استان دست به اعتصاب عمومی زدند. فراخوان این دو روز اعتراضی از قبل توسط مردم از جمله نهاد دادخواهان و دادخواهان سیستان بلوچستان، شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی و بخش های مختلف مردمی داده شده بود. از جمله یکی از فراخوانها تاکید بر مشارکت و همراهی با اعتصاب سراسری و عمومی در شهرهای سیستان و بلوچستان بود. این فراخوانها وسیعا همه جا منتشر و حول آنها موجی از همبستگی در مدیای اجتماعی شکل گرفت. در و دیوارهای شهرهای بسیاری به این مناسبت پر از شعارهای حمایتی و اعلام همبستگی شد و نمادهای حکومتی در شهرهای مختلفی توسط جوانان خشمگین به آتش کشیده شد. مردم همچنین تصاویر خدانور لجمی که بدست سرکوبگران حکومت وحشیانه به قتل رسید را همه جا پخش کردند. جوان معترضی که عکس او با دستهای بسته شده به تیر چراغ برق توسط جنایتکاران حکومت به نمادی از قربانیان جمعه خونین زاهدان تبدیل شده و بازتابی جهانی پیدا کرده است. با همین مضامین کارهایی هنری و پرفورمنس های دیگری توسط دانشجویان و دانش آموزان در تهران و تبریز و شهرهای دیگر در مدیای اجتماعی به نمایش گذاشته شد. بدین ترتیب مردم بصورت سراسری و در اشکال مختلفی به استقبال گرامیداشت یاد جانباختگان جمعه خونین زاهدان و ارج گذاشتن بر مکان و جایگاه مبارزاتی این کانون داغ انقلاب رفتند.

در جبهه مقابل مردم، حکومت نیز که از به میدان آمدن مردم خشمگین در سیستان و بلوچستان و بویژه در زاهدان وحشت داشت، نیروی سرکوب وسیعی را بسیج کرده و از چندین شهر به زاهدان و خاش و دیگر نقاط این استان نیروی انتظامی گسیل کرده بود و خیابانها و نقاط حساس را اشغال و قرق کرده بود. در هفتاد نقطه زاهدان نیروی مسلح مستقر شده و مسجد مکی را در محاصره خود قرار داده بودند و در بلندی های اطراف زاهدان نیز استقرار داشتند. اما علیرغم اینها مردم در زاهدان و دیگر شهرهای این استان در روز جمعه هفتم مهرماه وسیعا با فریاد و خشم به خیابان آمدند و شعارهای مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای و خمینی در همه جا طنین انداز شد. در دست مردمی که به خیابان آمده بودند، بنرهایی میدیدیم که با هشتک محاصره بلوچستان بر روی آن نوشته شده بود "ما مردم بلوچ را از مرگ نترسانید"، "دیگر بر ما اثر ندارد توپ و تانک دشمن"، "ما را از مرگ و شکنجه و زندان نترسانید"، و "کشتار خونین زاهدان و خاش را فراموش نخواهیم کرد".

انبوه جمعیت در خیابانهای زاهدان

روز جمعه در زاهدان مردم از همان آغاز صبح در صفی بزرگ به خیابان آمدند. سیل جمعیت خیابانها را که توسط سرکوبگران حکومت مسدود شده بود گشوده و به حرکت در آمدند. مردم مسجد مکی را که در محاصره سرکوبگران حکومت بود با

شعاردهی و بر دست گرفتن بنرهای اعتراضی شان به صحنه اعتراض قدرتمند خود تبدیل کردند. در گوشه ای از تظاهرات مردمی در زاهدان صفی از زنان معترض را میدیدیم که همراه با خیل عظیم جمعیت شعار میدادند: "بترسید بترسید ما همه با همه هستیم". و نیز در جایی مثل روستای قلعه بید مردم در مقابل پاسگاه این روستا جمع شدند و با آتش زدن لاستیک صدای اعتراض خود را بلند کردند. اعتراض در همه جا موج میزد.

در زاهدان مردم و جوانان شجاع شهر با نیروی های سرکوب در نقاط مختلفی درگیر شدند. با برپا کردن آتش برخی خیابانها را مسدود کردند و در جاهایی نیروهای سرکوب را با پرتاب سنگ و تعرض متقابل فراری دادند. بنا بر خبرها در این روز سرکوبگران حکومت به صفوف مردم حمله کردند. با پرتاب گاز اشک آور سعی در پراکندن جمعیت مردم کرده و با سلاحهای نیمه سنگین به سوی مردم شلیک می کردند. طبق گزارشات اولیه ۲۳ نفر از مردم زخمی شدند که چهار نفر از آنان کودک هستند. همچنین دستگیریهای های بسیاری در مناطقی از زاهدان همچون کوثر، خیام، کشاور گزارش صورت گرفت که هویت یازده نفر آنها عبارتند از: رامین شه بخش، اسماعیل براهویی، ادریس گمشادزهی، غفور گرگیج، حارث بلوچ، علی لجه ای، یاسر ظفر نارویی، رحمت الله کبدانی، احمد میربلوچزهی، ابراهیم کبدانی و محمد عالیروی

علیرغم این دستگیری ها و همه وحشی گری های حکومت مردم در این شهر همچنان ایستاده و درگیریهای آنها با نیروهای سرکوب تا شب ادامه یافت.

در تظاهرات های این روز فریاد شعارهای مردم در فضای خیابان ها طنین انداخته و مردم شعار میدادند: "بسیجی سپاهی، داعش ما شما بید"، "خدانور ما رو بردن جنازه شو آوردن"، "مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر"، "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه ای"، "و قسم به خون یاران ایستاده ایم تا پایان".

بدین ترتیب خیابانهای زاهدان در روز جمعه به میدان نبردی جانانه با جنایتکاران حکومت تبدیل شد و بار دیگر مردم این شهر و در کنار آن مردم در شهرهای دیگر استان سیستان و بلوچستان، این استانی که ته خط فقر و محرومیت در جغرافیای ایران است، حماسه آفریدند. شنبه هشتم مهر ماه نیز سالروز جمعه خونین زاهدان بود و به این مناسبت بنا بر فراخوانهای از قبل اعلام شده مردم با اعتصاب عمومی قدرتمند خود یاد جانباختگان این روز را گرامی داشتند. مغازه ها و محلهای کار همه جا تعطیل شدند. بدینگونه مردم در زاهدان و دیگر شهرهای این استان با دو روز اعتراض قدرتمند خود با عزمی راسختر تداوم انقلاب را فریاد زدند. در این روز حکومت در زاهدان بخشی از بازار در چهار راه رسولی را محاصره کرد که هم جلوی اعتصاب عمومی را بگیرد و هم تجمع مردم ولی مردم هم کار را تعطیل کردند و هم دست به تجمع زدند. در این روز همچنین کارگران در تیس چاه بهار به اعتصاب عمومی پیوستند و با این کار خود الگویی از اعتصاب عمومی با شرکت کارگران کارخانجات بدست دادند.

سیستان و بلوچستان و در راس آن زاهدان قلب تپنده انقلاب است. در همان چهلمین روز قتل جانباختگان جمعه خونین زاهدان در سال گذشته بود که مردم از

اعتصاب چهار هزار کارگر کارخانه آلومینیوم سازی اراک

بازگشتند. اما همچنان از سطح نازل حقوقها ناراضیند و پیگیر خواستههایشان از جمله وضع قرار دادهای کاری شان هستند.

اراک شهری با مراکز کارگری بزرگ است. به این اعتبار تجربیات درخشانی از مبارزه از جمله در مراکز کارگری چون هپکو و آذراب را در این شهر داریم. اعتراضاتی که بازتاب وسیع اجتماعی پیدا کردند و خانواده های کارگران نقش درخشانی در اعتراضات داشتند. اعتراضاتی که توانست بر روی فضای شهر اراک تاثیر بگذارد و دامنه اش به تهران کشیده شد.

اعتراضات کارگران آلومینیوم سازی و ماشین سازی از فضای پر تلاطم اعتراض در مراکز کارگری این شهر حکایت میکند. از تجربیات درخشان کارگران هپکو و آذراب برای تقویت اعتراضات کنونی کارگری در اراک میتوان سود جست. عدم بازتاب اخبار هر روزه اعتراضات کارگران آلومینیوم سازی اراک یک کمبود جدی است و توجه فعالین کارگری به این جنبه بسیار مهم است. باید اخبار اعتصاب و اعتراض این کارگران را وسیع رسانه ای کرد. کارگران در آلومینیوم سازی نقش مهمی در اطلاع رسانی جهت جلب همبستگی مردم و تقویت مبارزاتشان را دارند. شرکت وسیع خانواده ها در تجمعات و اعتراضات بسیار مهم است.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۹ مهر ۱۴۰۲، ۱ اکتبر ۲۰۲۳

بنا بر اخبار دریافتی کارگران آلومینیوم سازی اراک (ایرالکو) دو هفته است که در اعتصاب بسر میبرند. از روز گذشته هشتم مهر ماه اعتصاب گسترش بیشتری یافت و کارگران شیفت صبح نیز به اعتصاب پیوستند. بدین ترتیب اکنون چهار هزار کارگر این کارخانه قدیمی و بزرگ آلومینیوم سازی در اراک در اعتصاب بسر میبرند. این کارگران خواهان افزایش حقوقها هستند و به گرانی و چپاولگری های سهامداران شرکت اعتراض دارند.

گفتنی است که آلومینیوم سازی اراک دو پروژه هم در مشهد و بندر امام دارد که مجموعاً حدود سیصد کارگر در این پروژه ها کار میکنند و شخصی بنام محسن محمدی سهامدار اصلی این شرکت است. طبق گزارش در این دو هفته مدیریت شرکت میراشرفی و دیگر اعضای هیات مدیره جرات حضور در جمع کارگران را نداشته و جلسه ای در شهرک صنعتی نزدیک به شرکت برپا کردند که در آن نمایندگان هم از کارگران شرکت داشتند. در این جلسه گفته شده بود که شرکت نمیتواند خلاف قانون مزد بیشتری به کارگران بدهد و در برابر این پاسخ مدیریت نمایندگان کارگران جلسه را ترک کردند و از روز گذشته تمام سه شیفت شرکت وارد اعتصاب شدند. قبلاً نیز از نیمه مهرماه کارگران ماشین سازی اراک وارد اعتصاب شده بودند و به مدت حدود یک ماه هم در اعتصاب بودند و بنا بر گزارشها بعد از این اعتصاب چهارده درصد به دستمزد کارگران اضافه شد و کارگران موقتاً به سر کار

جمعه خونین زاهدان در ...

از صفحه ۶

در حاشیه دو شعار

در اعتراضات مردمی در زاهدان و دیگر شهرهای استان سیستان و بلوچستان فریاد دو شعار از جانب برخی از تظاهر کنندگان قابل تامل است. یکی شعار الله اکبر است. الله اکبر شعار ما مردم نیست. جمهوری اسلامی با این شعار به انقلاب ۵۷ خون پاشید و توانست قدرت را بگیرد و جامعه را به جهنم تبدیل کند. با پرچم الله اکبر هر اعتراض و مبارزه ای را عقب زند و جنایتها کردند. خاطره این سرکوبگریها در ذهن شاهدان این تجربه تاریخی باقی است و هرگز فراموش نمیشود. چهل سال است که با این شعار کل جامعه را به صلابه کشیده اند. اینگونه شعارها نتیجه مستقیم ایجاد تفرقه در صفوف مبارزه مردم و کاستن از همبستگی وسیع مردم از اعتراضات است. سر دادن اینگونه شعارها و زدن رنگ مذهبی به اعتراض و در جهت منحرف کردن مسیر مبارزه است. آنچه یزی که امروز صف اعتراض ما مردم را متحد میکند شعار زن زندگی آزادی و شعارهای سرنگونی است که تبعیض و نابرابری و کل جمهوری اسلامی را نشانه رفته است.

شعار قابل تأمین دیگر که بطور محدودی شنیده شد خواست قصاص و اعدام جانیمان و سرکوبگران مردم است. بله سران این حکومت باید بخاطر همه جنایاتشان محاکمه شوند. بگذار تا در حیات خود ببینند که چگونه منفور مردم در سراسر جهانند. اما حرف ما مردم اینست که قصاص و کل قوانین ارتجاعی اسلامی باید به زباله دان انداخته شود. اعدام باید ممنوع شود. قصاص و اعدام توحش است و بخشی از سنت جمهوری اسلامی است. چنین مجازاتهایی اساساً در خدمت طبقات حاکم و برای به بردگی کشیدن مردم است. جمهوری اسلامی با توسل به چنین ابزارهای وحشیانه ای ۴۴ سال است که دارد جنایت میکند. خواست ما پیگرد تک سران جنایتکار حکومت و محاکمه آنها در دادگاههای بین المللی است. در همین راستا همانطور که اشاره شد خواست ما انزوای جهانی جمهوری اسلامی و بایکوت آن در سطح جهان است که گام مهمی در سرنگون این حکومت جنایت و سرکوب است. زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!

دیگر شهرها و استانها در سطح سراسری با شعارهای اعتراضی شان زاهدان را چشم و چراغ ایران خواندند و بدینگونه اعتراضات شجاعانه آنان را ارج گذاشتند. در شهر مهاباد نیز مردم با شعار "کرد بلوچ آزادی برابری" در برابر تلاش هایی که برای تفرقه افکنی در صف مردم میشود، اتحاد مبارزاتی علیه جانیمان اسلامی را فریاد زدند. متقابلاً در سیستان و بلوچستان نیز شعار "زاهدان کردستان اتحاد، اتحاد" سر داده شد و اینها همه عمق انقلاب زن زندگی آزادی را به نمایش میگذارد.

"جمعه خونین" در زاهدان به جنایت هولناکی اشاره دارد که جمهوری اسلامی روز هشتم مهر ۱۴۰۱ و در متن انقلاب زن زندگی آزادی مرتکب شد. در این روز مردم در زاهدان و شهرهای دیگر سیستان و بلوچستان در اعتراض به تجاوز فرمانده نیروهای انتظامی به دختری ۱۵ ساله در شهر چابهار به خیابان آمده بودند و سرکوبگران حکومت با شلیک مستقیم گلوله به سوی مردم ۱۰۵ نفر را بیرحمانه به قتل رساندند که هفده نفر آنان کودکان زیر هجده سال بودند. بعد هم در جمعه های بعد و در شهرهای دیگر مثل خاش جنایاتی از همین دست تکرار شد.

در اعتراض به چنین جنایاتی و در گرامیداشت یاد جانباختگان جمعه خونین است که در هفته های اخیر و بویژه دو روز جمعه و شنبه مردم در استان سیستان و بلوچستان و بویژه در شهرزاهدان به اعتراض برخاسته و به یاد جانباختگان جمعه خونین حماسه آفریدند. بدین ترتیب بدنبال گرامیداشت سالگرد انقلاب در بیست و پنج شهریور و پیشروی هایش، این دو روز مهم اعتراضی مردم در سیستان و بلوچستان سر فصل جدیدی در انقلاب زن زندگی را گشوده است و انقلاب را گامی دیگر به جلو میبرد. هم اکنون سیستان و بلوچستان آرام و قرار ندارد. باید در سطح سراسری به حمایت از این مردم و این سنگر مهم انقلاب شتافت. باید تمامی بازداشت شدگان در این استان فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. باید حکومت اسلامی بخاطر همه جنایاتش از جمله جنایات هولناکش در جمعه خونین و دیگر جنایاتش در این استان محروم و فقر زده در سطح جهان مورد پیگرد و محاکمه قرار گیرد. این حکومت باید در سطح جهان منزوی و بایکوت شود.

منصور فکور

در محکومیت احکام گستاخانه علیه ۱۷ کارگر گروه ملی فولاد اهواز محکومیت کارگران معترض در گروه ملی فولاد، اقدامی وحشیانه علیه همه کارگران است.



ضمن اعلام انزجار و اعتراض به حکم صادره برای کارگران گروه ملی فولاد اهواز، همبستگی خود را با این کارگران و همه کارگران گروه ملی اعلام می‌داریم و بر لغو فوری این احکام شنیع و وحشیانه تأکید داریم. ما وظیفه خود میدانیم که صدای اعتراض خود را به چنین احکامی و چنین مجازات‌های ارتجاعی بلند کنیم. مجازات شلاق باید کلاً ممنوع شود.

بیانیه تشکل‌های کارگری نفت و اعلام انزجار و محکومیت اقدامات ضد کارگری رژیم، اهمیت زیادی دارد آنهم در یک مرکز کلیدی اقتصادی کشور که حکومت همواره از به میدان مبارزه آنها وحشت دارد. چنین بیانیه‌هایی در عین حال بازتابی از شرایط ملت‌هت‌جامعه است. جامعه‌ای که علیرغم سرکوبگری‌های حکومت با شعار "قسم بخون یاران ایستاده ایم تا پایان" تداوم انقلاب را فریاد می‌زند. برای مثال در بخش دیگری از بیانیه دو تشکلهای کارگری چنین آمده است: "میدانیم که حکومت در محاصره اعتراضات ما کارگران و همه مردم است و چون از گسترش اعتراضات سراسری بشدت نگران است، دست به چنین اقداماتی ضد کارگری می‌زند. میدانیم که حکومت در محاصره اعتراضات ما کارگران و همه مردم است و چون از گسترش اعتراضات سراسری بشدت نگران است، دست به چنین اقدامات ضد کارگری می‌زند ولی نباید اجازه دهیم و اجازه نخواهیم داد. در همه جا در سطح سراسری صدای اعتراض خود را علیه این حکم وحشیانه بلند کنیم و از کارگران معترض فعالانه دفاع کنیم."

بیانیه تشکل‌های کارگری نفت، ضمن روشنگری هرچه بیشتر طبقه کارگر از شرایط موجود، در عملکرد وحشیانه و ضد کارگری دستگاه قضایی و ماشین سرکوب رژیم، در روزی که بلوچستان مشت بر آسمان، خواهان سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی است، با دعوت از طبقه کارگر و جامعه معترض، همگان را به ایستادگی و همبستگی در برابر اقدامات وحشیانه رژیم و دستگاه سرکوب آن فرا خوانده و خواستار لغو فوری مجازات شلاق است. تجمع، اعتراض، و تشکل را حق مسلم همه کارگران و مردم می‌خواند و از کرامت و حق و حقوق کارگر سخن می‌گوید. این گفتمان‌ها امروز در جریان انقلابی که هر روز بیشتر راه خود را هموار کرده و به جلو گام برمیدارد بسیار مهم است و تأثیر مستقیمی در تعمیق انقلاب دارد.

این پیام در واقع پیامی به کل جامعه است. با یک اتحاد و همبستگی سراسری مبارزاتی میتوان حکومت را از سرکوبگریهایش عقب زد و انقلاب را با قدرت بیشتری به جلو برد.

ما شاهد گرامیداشت با شکوه سالگرد انقلاب و یادمان مهسا امینی در ۲۵ شهریور ماه بودیم. ما در همین هفته خروش عظیم و قدرتمند مردم در زاهدان و دیگر شهرهای استان سیستان و بلوچستان در گرامیداشت جانب‌باختگان جمعه خونین زاهدان را داشتیم. جامعه نیز همچنان در تلاطم انقلابی است. در چنین شرایطی بیانیه محکم تشکل‌های کارگری نفت، در حمایت از کارگران گروه ملی فولاد اهواز و بر علیه قوانین و ماشین سرکوب رژیم، خواب را از چشمان حاکمان جمهوری اسلامی ربود و صدای همبستگی و اتحاد طبقه کارگر را با جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی بیش تر از پیش برجسته نمود.

زنده باد انقلاب زن، زندگی، آزادی،

شعبه دوازدهم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب اهواز علیه هفده کارگر معترض گروه ملی فولاد اهواز بخاطر اعتراضاتشان علیه فساد مدیریت و علیه سطح نازل حقوق‌ها و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، با گستاخی تمام احکام زندان و شلاق صادر کرده است.

بر اساس این حکم، هفده کارگر گروه ملی فولاد به نامهای مهدی ولی‌پور، خالد شریفی، رعید عبیدادی، طارق خلفی، سیدرسول چراگ، نادر حردانی، علی نادری، مهدی نگرایی، مسعود حیدری، عبدالحسین حمیدی‌پور، مصطفی عبیاتی، عبدالکریم سیاحی، کاظم حیدری، علی الهی‌فر، هادی وانلی‌زاده، حسن جاوید حمودی و غریب حویزایی، به پرداخت دو میلیون و پانصد هزار تومان جزای نقدی بدل از سه ماه حبس تعزیری و مجازات ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده‌اند. اتهام آنها نیز "اخلال در نظم عمومی از طریق ایجاد هیاهو و جنجال" اعلام شده است.

اخلال در نظم عمومی" یعنی اخلال در نظم حرکت‌های چرخهای سرمایه داری وحشی حاکم که حکومت با تمام دم و دستگاهش و با تمام قوانینش ارتجاعی اش در خدمت آنست. تشکیل پرونده‌های امنیتی برای کارگران و مردم معترض و اتهاماتی چون "اخلال در نظم عمومی" برجسی معمول از اتهامات ماشین سرکوب رژیم جمهوری اسلامی در به عقب راندن طبقه کارگر است.

این نخستین بار نیست که اعتراض کارگران بخاطر مسائل شغلی و معیشتی خود با واکنشی امنیتی مواجه شده و سرکوب میشود.

این پرونده در پی شکایت «شرکت صنعتی و بازرگانی شفق راهیان اکسین» (یعنی کارفرمای این شرکت و گزارش حراست کارخانه برای کارگران معترض گروه ملی گشوده شده است. بدین ترتیب حکومت حامی سرمایه داران با دستگاه سرکوب و با قوانینش تمام در خدمت بردگی و استثمار کارگران مثل همیشه عمل کرده و حکم رانده است. حکومتی که امروز کل جامعه علیه آن بر پا خاسته و میخواهد به کل این بساط بربریت و توحش پایان دهد.

حکم صادره علیه هفده کارگر گروه ملی با موجی از اعتراض در مدیای اجتماعی روبرو شده است. از جمله دو تشکل شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی و

**به حزب
کمونیست کارگری
پیوندید!**



تلگرام: @wpi_tamas

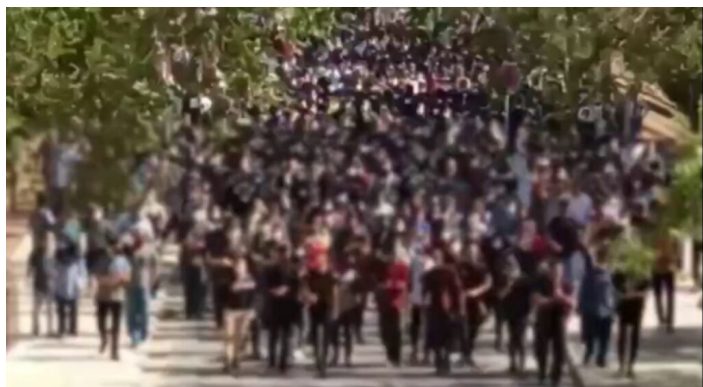
۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

کارگران غیر رسمی (ارکان ثالث) در اقدامی مهم علیه این احکام گستاخانه بیانیه‌ای مشترک داده و انزجار خود را اعلام کرده‌اند. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "بدین ترتیب دستگاه قضایی و بازوی سرکوب آن یعنی حراست در محیط‌های کار همراه با مدیریت فاسد شرکت چنین حکمی را برای تنبیه کارگران صادر کرده‌اند، چرا که اساساً این پرونده در پی شکایت «شرکت صنعتی و بازرگانی شفق راهیان اکسین» (یعنی کارفرمای این شرکت و گزارش حراست کارخانه برای کارگران معترض گروه ملی گشوده شده است و این داستانی است که در همه محیط‌های کاری جریان دارد. در جای جای مجموعه صنعت نفت نیز ما کارگران بر اساس همین گونه پرونده سازی‌ها دستگیری و بازداشتی داشتیم و در مقابلش ایستادیم. ما امضا کنندگان این بیانیه

مهران محبی

جنگ عریان میان حکومت و مزدبگیران



دولت محکوم شده اند. همچنین ۱۷ کارگر فولاد به اتهام "اخلال در نظم عمومی از طریق هیاهو و جنجال" هر نفر به پرداخت دو میلیون و پانصد هزار تومان جزای نقدی بدل از سه ماه حبس و تحمل ۷۴ ضربه شلاق محکوم شدند. اسامی آنها عبارت است از: ۱- مهدی ولی پور، ۲- خالد شریفی، ۳- رعید بیداوی، ۴- طارق خلفی، ۵- سیدرسول چراگ، ۶- نادر حردانی، ۷- علی نادری، ۸- مهدی نگرایی، ۹- مسعود حیدری، ۱۰- عبدالحسین حمیدی پور، ۱۱- مصطفی عیبات، ۱۲- عبدالکریم سیاحی، ۱۳- کاظم حیدری، ۱۴- علی الهی فر، ۱۵- هادی وائل زاده، ۱۶- حسن جاوید حمودی، ۱۷- غریب حویزروی. این کارگران بر اساس شکایت شرکت صنعتی و بازرگانی شفق راهیان اکسین متعلق به سهام داران گروه ملی-صنعتی فولاد مورد محاکمه قرار گرفته اند و جرمشان پیگیری خواستها و مطالباتشان و اعتراض به سطح نازل حقوقها و فساد مدیریت بوده است.

چنین رابطه خصمانه ای میان جامعه و حکومت در مقطع کنونی فقط در ایران وجود دارد و علتش هم مشخص است. جمهوری اسلامی از نظر سیاسی یک حکومت کاملاً تحمیلی، و مورد تنفر عمومی و از نظر اقتصادی کاملاً ورشکسته و ناتوان از تأمین حداقلهای ضروری برای ادامه زندگی مردم است. از همین رو برای حفظ بقای خود چاره ای غیر از سرکوب ندارد. مردم نیز برای بقاء خود چاره ای جز مبارزه برای سرنگونی حکومت ندارند. امروز برای مردم ایران از کارگر گرفته تا معلم، بازنشسته و بیکار و زن، و جوان و غیره، انقلاب و سرنگون کردن جمهوری اسلامی یک ضرورت برای بقا و معیشت و برای داشتن زندگی ای انسانی و با کرامت است.

پایان دادن به این دشمنی میان جامعه و حکومت، فقط از طریق انقلاب امکان پذیر است. جمهوری اسلامی باید سرنگون شود. باید برای ایجاد اتحاد و همبستگی سراسری به ستاد رهبری مجهز شد. این ستاد رهبری و هدایت کننده انقلاب کارگران و کل مردم، امروز وجود دارد. ده ها سال است که برای تحقق آرمانهای انسانی و رسیدن انسانها به یک زندگی بدون تبعیض، آزاد و برابر مبارزه می کند. حزب کمونیست کارگری، حزب و ستاد رهبری و هدایت انقلاب است. در عین حال در حالیکه جامعه در تلاطم انقلابی است، ما کارگران نیز باید با ایجاد شوراهای سازماندهی اعتراضاتمان در همه جا صف خود را متحد کنیم و با قدرت بسوی اعتصابات سراسری خیز برداریم و بدینگونه ضربه ای کاری بر پیکر رژیم وارد کنیم. در یک کلام باید در محیط های کار و زندگی در تشکلهای و شوراهای خود مشکل شویم و با حزب کمونیست کارگری پیوند بخوریم و مبارزاتی قدرتمند برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی را سازمان دهیم.

امروز اصلی ترین دشمن کارگران، معلمان و بازنشستگان و همه مزدبگیران محروم و تنگدست در ایران، جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی بنابر شرایط سیاسی-اقتصادی بحرانی اش، خود طرف مقابل جامعه است. نمی تواند ناظر بر روابط کارفرمایان با کارگران در چهارچوب قوانین و سنن متعارف سرمایه داری باشد. چون اکثر صنایع و مراکز تولیدی از کارخانه ها گرفته تا معادن، حمل و نقل و آموزش و یا بهداشت و درمان در مالکیت و کنترل مستقیم حکومت و دولت و سران و سرداران دزد و جنایتکارش هستند. هر اعتراضی هرچند ماهیت صنفی داشته باشد و علیه مشقات معیشتی باشد، مستقیماً حکومت را هدف قرار می دهد. جمهوری اسلامی فقط نماینده طبقه صاحب ابزار تولید و سرمایه دار نیست، بلکه خود صاحب بیشترین و اساسی ترین صنایع و ابزار تولید و همچنین اصلی ترین چپاولگر و غارتگر ثروت های عمومی و اجتماعی است.

هر اعتراضی به شرایط کار، به پائین بودن دستمزد و سطح زدگی توسط هر بخشی از مزدبگیران جامعه، موقعیت دزدان و غارتگران حکومتی را متزلزل و بساط چپاولشان را تهدید می کند. بی دلیل نیست که هر اعتراضی به وضعیت معیشت، مورد مقابله و سرکوب شدید حکومت قرار می گیرد و معترضین با اتهامات امنیتی بازداشت و مجازات می شوند. امنیتی که فقط متعلق به دزدان حاکم بر جامعه است و نه امنیت اجتماعی و عمومی مردم و اخلال در نظم مورد نظر حکومت جنایتکار، اخلال در نظم چپاولگرانه ای است که سران جمهوری اسلامی در چهارچوب آن مشغول چپاول هستند.

سرکوبگری و جنایاتی که امروز توسط جمهوری اسلامی علیه اکثریت عظیم کارگران و زحمتکشان اعمال می شود، در هیچ کشوری حتی در عقب مانده ترین نظامهای سرمایه داری همانند ندارد و تنها می توان نمونه های مشابه را در قرون ۱۷ و ۱۸، یعنی دوران گذار از نظام اقتصادی فئودالی به سرمایه داری یافت. با این تفاوت اساسی که آن زمان نظام اقتصادی تازه به دوران رسیده برای تثبیت خود از طریق دخالت دولت و بکارگیری ابزار سرکوب دولتی، مجبور به اعمال خشونت خارج از قاعده در قیاس با امروز بود. اما جمهوری اسلامی حکومت تثبیت نظام سرمایه داری نیست، بلکه حکومتی در آستانه سرنگونی است و با امید به اینکه بتواند سرنگونی اش را به تعویق بیاندازد متوسل به شقاوت و وحشیگری می شود.

کارنامه جنایات و سرکوبگریهای عریان جمهوری اسلامی علیه کارگران و معلمان، و بقیه مزدبگران بسیار سیاه و قظور است. بطور مثال در همین دو ماه اخیر پرونده های امنیتی متعددی برای کارگران و معلمان و فعالین معترض باز کرده و برایشان احکام زندان و شلاق تعیین کرده و یا در زندان آنها را زیر آزار و شکنجه جسمی و روحی قرار داده است. و یا در اوایل مرداد بود که نیروهای مزدور حکومت زنان و مردان خواهان کار در روستای آق دره را با خشونت تمام سرکوب و مورد ضرب و شتم قرار دادند و ۳۲ کارگر معدن آق دره را بازداشت کردند. بعد هم دستگاه قضائی شان آنها را با اتهاماتی چون "آدم ربائی"، "اجتماع و تباہی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور"، "ایجاد اخلال در نظم و آسایش عمومی" و "درگیری و تمرد نسبت به ماموران در حین ماموریت" برایشان پرونده سازی کردند. روز ۶ مهر نیز برای چهار فعال کانون صنفی معلمان استان بوشهر که در اردیبهشت ۱۴۰۱ دستگیر شده بودند، احکامی صادر کردند که سر و صدای بسیاری برپا کرد. از جمله محمود ملاکی و محسن عمرانی هر یک به دو سال حبس و مصادره اموال توقیفی به نفع دولت و سه سال ممنوعیت فعالیت آموزشی در محیط های علمی و عبدالرضا امانی فر و اصغر حاجب هر یک به چهار ماه حبس تعزیری و مصادره اموال توقیفی به نفع

تجمعات بازنشستگان کشوری، اعتصاب کارگران رسمی نفت فلات قاره و دو خبر دیگر



روز ۴ مهر بازنشستگان کشوری شامل بازنشستگان و بخشهای دیگر کارکنان بازنشسته در ادامه سه شبه های اعتراضی و برای پیگیری خواستههایشان در چند شهر کرمانشاه، قزوین، همدان و سنندج دست به تجمع زدند. اعتراض آنها به گرانیها، سطح نازل حقوقها، اختلاسها و دزدیها و سرکوبگریهای حکومت است. بازنشستگان شعار میدادند: "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "می زخم فریاد، هرچه بادا باد، وای از این طوفان وای از این بیداد".

حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت از مبارزات بازنشستگان بر تکثیر این شعارها و تدارک اعتراضات سراسری بازنشستگان تاکید دارد.

امروز چهارم مهر ماه همچنین تجمعی از سوی جمعیت قابل توجهی از مالباختگان خودرو، مقابل ساختمان استانداری قزوین برپا شد. جنبش مالباختگان جنسی قدرتمند در برابر بساط اختلاس و دزدی حاکم است.

سوم مهرماه کارگران رسمی نفت شاغل در سکوهای نفتی و کارکنان پالایشگاه خبیج فارس هویزه تجمع کردند. در این روز کارگران رسمی نفت بنا بر فراخوان از قبل اعلام شده در اعتراض به سطح نازل حقوقهای دریافتی خود در سکوهای هرگانسر، رسالت، ابوذر و جزیره خارک تجمع کردند. حذف کامل سقف حقوق و پرداخت دستمزد مطابق قوانین استخدامی خواست فوری آنهاست. کارگران رسمی نفت قبلا نیز در اعتراض به رشد سرسام آور گرانی و کاهش سطح حقوقهای خود و از جمله خواست اجرای ماده ده که میتواند بهبودی در حقوقهای آنها ایجاد کند، اولتیماتوم به اعتصاب داده بودند. در این روز کارگران یکی از پیمانکاریهای فاز یک شرکت پالایش گاز هویزه نیز برای دریافت مطالبات شان مقابل این شرکت تجمع کردند. کارگران اخراجی با قرارداد کوتاه مدت سه ماهه مشغول کار بودند. در این حرکت اعتراضی کارگران با مسدود کردن درب ورودی شرکت خواهان بازگشت بکار خود شدند.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۴ مهر ۱۴۰۲، ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۳

اکنون مدتهاست که بخش های مختلف بازنشستگان در اعتراض به اختلاسها و وضع بد معیشتی و پاسخ نگرفتن خواستههایشان در اعتراضات روز گذشته همانطور که گزارش کردیم بازنشستگان مخابرات تجمع کردند و بنا بر گزارشات تکمیلی تجمعات آنها در ۱۵ شهر برگزار شد که عبارتند از: تهران، اصفهان، زاهدان، اردبیل، اهواز، خرم آباد، شیراز، کرمانشاه، رشت، بندرعباس، سقز، سنندج، زنجان، زاهدان و اراک. تجمع اعتراضی دیگر در این روز از سوی بازنشستگان صنعت نفت در مقابل ساختمان صندوقهای بازنشستگی کارگران برگزار شد. افزایش حقوقها متناسب با نرخ تورم، همسان سازی و درمان رایگان مهم ترین خواستههای بازنشستگان بخشهای مختلف در سرتاسر کشور است. "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد"، "لشکری کشوری فولادی تامین اجتماعی اتحاد اتحاد" دو شعار متحد کننده و کلیدی بازنشستگان است.

۵ مهر: تجمع و اعتراض بازنشستگان تامین اجتماعی و کارگران آبفا در شوش

درمان رایگان دو خواست فوری و سراسری بازنشستگان است. بازنشستگان با دو شعار کلیدی "لشکری، کشوری، تامین اجتماعی، اتحاد اتحاد" و "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد"، فراخوانشان به اتحاد کارگری علیه فقر و بی تأمینی است. این شعارها را باید در همه جا تکثیر کرد.

امروز همچنین در شهر شوش کارگران آبفا در اعتراض به تعویق پرداخت حقوقهایشان تجمع کردند. برخی از پرسنل این شرکت بین ۶ تا ۱۰ ماه حقوق طلب دارند. بعلاوه این کارگران به سطح نازل حقوقها و تبعیض در پرداخت حقوقها اعتراض دارند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ مهر ۱۴۰۲، ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۳

امروز چهارشنبه ۵ مهرماه بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و برای پیگیری مطالباتشان در مقابل فرمانداری تجمع کرده و سپس با فریاد شعارهایشان راهپیمایی در خیابان فضای پر شوری از اعتراض را در شهر آفریدند. این بازنشستگان از شهرهای کرخه، شوش و هفت تپه گرد آمده بودند.

بازنشستگان شعار میدادند: "گرانی تورم بلای جان مردم"، "نماینده بی کفایت استعفاء استعفاء"، "دولت شش کلاسه، خجالت، خجالت"، "نگ ما، ننگ ما صدا و سیمای ما"، "ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه"، و "وعده وعید چه خوب بود ولی همش دروغ بود". با این شعارها بازنشستگان کل بساط چپاول و غارت حاکمیت را به چالش میکشند.

اجرای همسان سازی حقوقها و افزایش سطح آن به بالا خط فقر سی میلیونی و



کارگران در هفته ای که گذشت

تنظیم کننده: سهیلا رضوانی

روز دوشنبه ۳ مهر ماه ۱۴۰۲

- در ادامه تشدید فشارهای امنیتی بر روی معلمان حکم اخراج از کار محمود ملاکی بازرس کانون معلمان استان بوشهر در دادگاه تجدیدنظر تأیید و به وی ابلاغ شد.

- بازنشستگان مخابرات به روال دوشنبه های هر هفته در اعتراض به فقر و گرانی و برای پیگیری مطالباتشان در استانهای گیلان، کرمانشاه، خوزستان، فارس، اردبیل، لرستان، اصفهان، مرکزی، تهران، زنجان، کردستان، همدان، هرمزگان و شهرستان سقز مقابل ساختمانهای شرکت مخابرات دست به تجمع زدند.

- بازنشستگان تامین اجتماعی در اهواز در اعتراض به سطح نازل حقوقها و وضع بد معیشتی خود مقابل تامین اجتماعی تجمع و دست به راهپیمایی زدند.

- بازنشستگان صنعت نفت در اعتراض به وضع بد معیشتی خود و گرانی روز افزون قیمت ها در تهران تجمع کردند.

- کارکنان رسمی شاغل در سکوهای شرکت فلات قاره و پایانه های نفتی در اعتراض به سقف حقوق تعیین شده و با خواست افزایش حقوقهایشان تجمع کرده و خواستار حذف کامل سقف حقوق و پرداخت دستمزد وفق قوانین استخدامی شدند.

- کارگران اخراجی یکی از پیمانکاری های فاز یک شرکت پالایش گاز هویزه، برای دریافت مطالبات شان و در اعتراض به اخراجها مقابل این شرکت تجمع کردند و در ورودی شرکت را بستند. قرارداد کاری این کارگران سه ماهه بود.

- در شامگاه دوشنبه یک دستگاه مینی بوس سرویس کارکنان یک شرکت در مسیر روستای دشتی به سمت روستای گلستانه واژگون و ۱۱ مصدوم بر جای گذاشت. جاده های ناامن و سرویس غیر استاندارد همواره از کارگران قربانی میگیرد.

سه شنبه ۴ مهر ماه ۱۴۰۲

بازنشستگان کشوری همانند سه شنبه های گذشته در اعتراض به سطح نازل حقوقها و برای پیگیری مطالباتشان در کرمانشاه، کردستان، ایلام، قزوین، همدان، اهواز، مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی کشوری تجمع کردند. یک خواست آنها آزادی معلمان زندانی است.

- کارگران ELED پتروشیمی دهلران در اعتراض به اخراجها و عدم پرداخت معوقاتشان دست به تجمع زدند و جاده را مسدود کردند.

روز چهارشنبه ۵ مهر ماه ۱۴۰۲

- بازنشستگان تامین اجتماعی شوش بار دیگر در اعتراض به وضع بد معیشتی و بی پاسخ ماندن مطالباتشان مقابل سازمان تامین اجتماعی این شهر دست به تجمع زدند.

روز پنجشنبه ۶ مهر ماه ۱۴۰۲

- دادگاه انقلاب اهواز برای ۱۷ کارگر معترض گروه ملی فولاد حکم حبس، شلاق و جزای نقدی صادر کرد. این حکم با اعتراض بسیاری در مدیای اجتماعی روبرو شده است.

- کارگران کارخانه فولاد خزر واقع در شهرک صنعتی رشت در اعتراض به وضعیت بلاتکلیف کارخانه و مشخص نشدن وضعیت شغلی خود دست به اعتراض زدند.

- بنا به ابلاغیه دادگاه، احکام اعضای کانون صنفی بوشهر که در اردیبهشت سال ۱۴۰۱ بازداشت شده بودند، به شرح زیر صادر گردید:

محمود ملاکی: دو سال حبس، مصادره اموال توقیفی به نفع دولت، سه سال ممنوعیت فعالیت آموزشی در محیطهای علمی؛

محسن عمرانی: دو سال حبس، مصادره اموال توقیفی به نفع دولت، سه سال

ممنوعیت هرگونه فعالیت آموزشی در محیطهای علمی؛

عبدالرضا امانی فر: چهار ماه حبس، مصادره اموال توقیفی به نفع دولت؛

اصغر حاجب: چهار ماه حبس، مصادره اموال توقیفی به نفع دولت

- یکی دیگر از کارکنان مصدوم حادثه آتش سوزی پالایشگاه بندرعباس به اسم حسن ربیعی بر اثر شدت سوختگی و پس از چند روز بستری در بیمارستان جانش را از دست داد. جانباختن وی را به خانواده اش و به همگان تسلیت میگوییم. نا امنی محیط کار یک موضوع اعتراض همه بخشهای شاغل در نفت است.

روز شنبه ۸ مهر ماه ۱۴۰۲

- حکم سه ماه انقصال خدمت آقای مجید رجایی از معلمان خراسان شمالی را در هیات تخلفات آموزش و پرورش تأیید شد. معلمان در کارزار یکصد هزار امضای خود بر آزادی همه همکاران بازداشتی و پایان دادن به سرکوبگریها و لغو تمامی احکام زندان، اخراج و تبعید علیه معلمان و مسدود شدن پرونده های امنیتی تأکید دارند. این کارزار با هزاران امضا ادامه دارد و اتحاد بین المللی معلمان بر آزادی فوری معلمان زندانی و پایان دادن به سرکوب اعتراضات معلم تأکید کرده است.

- بر اساس حکمی که توسط شعبه اول دادگاه انقلاب سنندج در تاریخ بیست و هفتم شهریورماه، صادر و به کامران ساختمانگر ابلاغ شده، وی از بابت اتهام "فعالیت تبلیغی علیه نظام از طریق رسانه های اجتماعی و مصاحبه با شبکه های تلویزیونی" به ۳ ماه حبس و پرداخت جزای نقدی محکوم شد. مدت ۳ ماه حبس وی با استناد به گواهی پزشکی قانونی موجود در پرونده قبلی ایشان، به جریمه نقدی بدل شده و وی مجموعاً به پرداخت مبلغ ۳۴ میلیون جزای نقدی محکوم شده است. پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات با خواست بسته شدن پرونده های امنیتی برای همه فعالین سیاسی یک کارزار مهم کارگران و معلمان است.

- خبات دهدار، فعال کارگری و زندانی سیاسی سابق با تودیع قرار وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی به صورت موقت تا پایان مراحل دادرسی آزاد شد. پرونده امنیتی او باید فوراً بسته شود. او باید بدون قید و شرط آزاد گردد.

- بنا بر گزارشات منتشرشده دو کارگر مقتی ۴۰ و ۴۲ ساله، هنگام حفر چاه در یک واحدی تولیدی در عمق ۲۰ متری بر اثر نفوذ ناگهانی فاضلاب از چاه مجاور در کاشان، جان خود را از دست دادند. هر روزه کارگران بسیاری بخاطر سودجویی های سرمایه داران مفتخور که حاضر به کمترین هزینه برای ایمنی محیط ها کار نیستند، قربانی میشوند.

- کارکنان رسمی، شرکتی و بازنشستگان مخابرات استان آذربایجان شرقی در اعتراض به وضع بد معیشتی و عدم پاسخگویی به خواستههایشان همزمان با سفر مدیرعامل و هیات مدیره به این شهر برای شرکت در جلسه افتتاح پروژه نجماء، در محوطه ساختمان مرکزی مخابرات در تبریز تجمع کردند. تجمع کنندگان با نشستن نمادین بر سر سفره خالی، خواستار پرداخت مطالبات و حقوق معوقه خود شدند.

روز یکشنبه ۹ مهر ماه ۱۴۰۲

دو کارگر ساختمانی در حال انجام کار در شهر چوپار از توابع کرمان بر اثر ریزش آوار جان خود را از دست داد.

- یک کارگر جوان با سقوط از ارتفاع یک کارگاه ساختمانی در آستانه اشرفیه دچار



تجمعات اعتراضی پرشور بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد

حضور خانواده ها در تجمع بازنشستگان در شوش

روز ۹ مهر ماه بازنشستگان تامین اجتماعی همچون دیگر یکشنبه های اعتراضی در شهرهای کرمانشاه، شوش، و اهواز تجمع کردند و صدای اعتراض خود را علیه فقر و بی تامينی بلند کرده و پیگیر خواسته هایشان شدند. اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای خط فقر سی میلیونی، درمان رایگان، پایان دادن به اختلاسها و دزدی از جمله خواسته های فوری این بازنشستگان است.

در شوش بازنشستگان کرخه و شوش و هفت تپه در کنار هم تجمع کردند و با راهپیمایی بطرف تامین اجتماعی شعار میدادند: "تامینو غارت کردند ما را بیچاره کردند" و بدینگونه صدای اعتراضشان را به چپاولگری حاکمان از صندوقهای بازنشستگی بلند کردند. یک بنر قابل توجه کارگران در این تجمع تأکیدی بر درمان رایگان بود. در تجمع اعتراضی بازنشستگان در شوش شماری از خانواده ها نیز شرکت داشتند. با درس آموزی از تجربه شوش میتوان شرکت خانواده ها در اعتراضات را در همه شهرها گسترش داد و فضای اعتراضات را بسیار تقویت کرد. در تجمع شوش یکی از کارگران با سخنرانی پر شور خود از سرکوب تشکلهای کارگری و علم کردن شوراهای اسلامی و پاسخ ندادن به خواسته های کارگران سخن گفت و از میان جمعیت زنی از خانواده های کارگران فریاد زد و گفت چقدر سکوت کنیم؟ حامی ما فقط فقر و بیچارگی است. سکوت سکوت. چقدر سکوت کنیم؟

در اهواز نیز بازنشستگان تجمع و راهپیمایی داشتند. در کرمانشاه این روز بازنشستگان تامین اجتماعی با شعارهای "لشکری، کشوری، تامین اجتماعی، اتحاد، اتحاد"، "اتحاد اتحاد، علیه فقر و فساد" پرچم اتحاد میلیونی کارگری علیه فقر و فساد را در دل انقلاب زن زندگی آزادی برافراشتند. این بازنشستگان همچنین با سردادن سرود اعتراضی زیر بار ستم نمیکنیم زندگی جان فدا میکنیم در ره آزادی عزم خود را برای مبارزه علیه فقر و استثمار و بردگی فریاد زدند.

از دیگر شعارهای اعتراضی تجمعات امروز بازنشستگان تامین اجتماعی این شعارها بود: "درمان رایگان حق مسلم ماست"، "حقوق نصفه نیمه، سکوت کنیم همینکه"، "تکمیل همسان سازی، بدون حقه بازی"، "عدالتی ندیدیم، فقط دروغ شنیدیم"، "دولت خیانت میکند، مجلس حمایت میکند"، "خواسته ما این زمان معیشت است و درمان، نه مجلس نه دولت، نیستن به فکر ملت"، "دولت ورشکسته، دشمن بازنشسته"، "فقط کف خیابون بدست میاد حقمون"، "بازنشسته بیا خیز برای رفع تبعیض"، "تامین رو غارت کردن، ما رو بیچاره کردن"، "تامین اجتماعی، چه اسم اشتباهی"، "تنگ ما ننگ ما مخبر الدنگ ما"، "میر هاشم موسوی، استعفا، استعفا"، "کو مهار تورم، دروغ میگین به مردم"، "حاصل کار دولت غارت جیب ملت"، و "گرانی تورم بالای جان مردم".

با این شعارها بازنشستگان کل بساط فقر و تبعیض و اختلاس و دزدی گسترده حکومت و مفتخوران را به چالش کشیدند. در تجمع بازنشستگان در کرمانشاه حضور زنان قابل توجه بود و بنر قرمزی که بر روی آن نوشته شده بود لشکری، کشوری، فولادی، تامین اجتماعی اتحاد اتحاد" در جلوی صف اعتراض آنها میدرخشید و فراخوانی به اتحاد جمعیت میلیونی بازنشستگان است.

در این روز همچنین بازنشستگان فولاد در شهرهای اصفهان، کرج و ساری در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و مطالبات معوقه خود مقابل صندوق بازنشستگی تجمع کردند. درمان رایگان، همسانسازی حقوقها و افزایش سطح آنها، پرداخت معوقات سال ۱۴۰۰ از جمله خواسته های فوری آنهاست.

حزب کمونیست کارگری ایران- ۹ مهر ۱۴۰۲، ۱ اکتبر ۲۰۲۳

کارگران در هفته ای که گذشت...

از صفحه ۱۱

حادثه شد و میلگردهای قرار داده شده در محل دیوارهای ساختمان در بدن وی فرورفت که منجر به مصدومیت وی شد. هر روز بر شمار قربانیان محیط های نا امن کار افزوده میشود.

بازنشستگان تامین اجتماعی شوش، کرخه و هفت تپه، کرمانشاه، فولاد اصفهان، اهواز در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته هایشان دست به تجمع زدند.

- بازنشستگان صنایع فولاد مازندران در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد این استان تجمع کردند.

- بر اثر وقوع حادثه انفجار در کوره ذوب یکی از شرکت های مستقر در شهر صنعتی کاوه، دو نفر دچار مصدومیت شدند که بر اساس اعلام مسئولین مربوطه یکی از کارگران با سوختگی حدودا ۹۰ درصدی به بیمارستانی در تهران اعزام شده است. محیط های کار باید فوراً ایمن شوند.

- در کارخانه فولاد کویر اردستان کارگری به اسم سعید ملکی در اثر گیر کردن بدنش بین نوار نقاله در حین کار جان خود را از دست داد و قربانی محیط نا امن کار شد.

- پرسنل بازنشسته دانشگاه آزاد تهران برای گرفتن حق سنوات و دیگر مطالباتشان دست به تجمع اعتراضی زدند.



یکی دیگر از کارکنان مصدوم آتش سوزی پالایشگاه بندرعباس

جانباخت

یادش گرامی باد

بنا بر خبرهای منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت روز ششم مهر ماه حسن ربیعی یکی دیگر از کارکنان مصدوم حادثه آتش سوزی پالایشگاه بندرعباس، بر اثر شدت سوختگی و پس از چند روز بستری بودن در بیمارستان جان خود را از دست داد. جانباختگان این حسن ربیعی را به خانواده ایشان و به همگان تسلیت میگوییم. در اطلاعیه خبر این شورا چنین آمده است: "این انفجار در سی و یکم شهریور به دنبال نشتی گاز و آتش سوزی در یکی از واحدهای فرآیندی پالایشگاه نفت بندرعباس روی داد و در جریان آن پنج کارگر صدمه دیدند. از این تعداد، تاکنون، دو تن جان خود را در این حادثه از دست داده و قربانی محیط کار شدند. مراکز نفتی یکی از مراکزی است که جان کارگران بدلیل عدم ایمنی محیط کار همواره در خطر است. یک خواست اعتراضی ما کارگران پیمانی نفت در اعتراضاتمان ایمنی محیط کار بوده است. و این خواست سراسری همه کارگران در نفت است."



محکومیت کارگران معترض در گروه ملی، اقدامی وحشیانه علیه همه کارگران است

شعبه دوازدهم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب اهواز علیه هفده کارگر معترض گروه ملی فولاد اهواز بخاطر اعتراضاتشان علیه فساد مدیریت و علیه سطح نازل حقوق ها و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، با گستاخی تمام احکام زندان و شلاق صادر کرد.

ما دو نهاد کارگری در مراکز نفتی، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت و شورای سازماندهی کارگران غیر رسمی (ارکان ثالث) در نفت مراتب انزجار خود را نسبت به چنین احکامی که اوج بربریت و تحقیر و توهین علیه کارگر است اعلام میداریم.

بر اساس این حکم وحشیانه این هفده کارگر به پرداخت دو میلیون و پانصد هزار تومان جزای نقدی بدل از سه ماه حبس تعزیری و مجازات وحشیانه عهد عتیقی ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده اند.

اتهام آنها "اخلال در نظم عمومی از طریق ایجاد هیاهو و جنجال" اعلام شده است.

اخلال در نظم عمومی نیز مصداقش دفاع کارگر از حق و حقوقش علیه سرمایه داران مفتخور و چپاولگر است.

اسامی این کارگران از این قرار است: مهدی ولیپور، خالد شریفی، رعید عبیدوای، طارق خلفی، سیدرسول چراگ، نادر حردانی، علی نادری، مهدی نگرایی، مسعود حیدری، عبدالحسین حمیدیپور، مصطفی عبیات، عبدالکریم سیاحی، کاظم حیدری، علی الهیفر، هادی وانیل زاده، حسن جاوید حمودی و غریب حویزاری.

بدین ترتیب دستگاه قضایی و بازوی سرکوب آن یعنی حراست در محیط های کار همراه با مدیریت فاسد شرکت چنین حکمی را برای تنبیه کارگران صادر کرده اند، چرا که اساسا این پرونده در پی شکایت «شرکت صنعتی و بازرگانی شفق راهیان اکسین» یعنی کارفرمای این شرکت و گزارش حراست کارخانه برای کارگران معترض گروه ملی گشوده شده است و این داستانی است که در همه محیط های کاری جریان دارد.

در جای جای مجموعه صنعت نفت نیز ما کارگران بر اساس همین گونه پرونده سازی ها دستگیری و بازداشتی داشتیم و در مقابلش ایستادیم.

ما امضا کنندگان این بیانیه ضمن اعلام انزجار و اعتراض به حکم صادره برای کارگران گروه ملی فولاد اهواز، همبستگی خود را با این کارگران و همه کارگران گروه ملی اعلام میداریم و بر لغو فوری این احکام شنیع و وحشیانه تاکید داریم.

ما وظیفه خود میدانیم که صدای اعتراض خود را به چنین احکامی و چنین مجازاتهای ارتجاعی بلند کنیم.

مجازات شلاق باید کلا ممنوع شود.

تجمع، اعتراض، و تشکل حق مسلم همه کارگران و مردم است. اجازه ندهیم که کرامت و حق و حقوق ما کارگران چنین به بازی گرفته شود.

میدانیم که حکومت در محاصره اعتراضات ما کارگران و همه مردم است و چون از گسترش اعتراضات سراسری بشدت نگران است، دست به چنین اقدامات ضد کارگری ای میزند ولی نباید اجازه دهیم و اجازه نخواهیم داد.

در همه جا در سطح سراسری صدای اعتراض خود را علیه این حکم وحشیانه بلند کنیم و از کارگران معترض فعالانه دفاع کنیم.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)

مهر ۱۴۰۲ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

تجمع اعتراضی کارکنان مخابرات استان آذربایجان شرقی و فولاد خزر



شمش های فولادی است به بهانه مشکلات مالی متوقف شده و حدود ۴۰۰ کارگر این کارخانه وضعیت شغلی بلا تکلیفی دارند. گفته میشود که مدیریت شرکت قصد فروش کارخانه را دارد و کار عملا تعطیل شده و بنا بر خبرها کارگران صرفا برای حضور و غیاب وارد محل کار خود می شوند. این کارگران یک ماه حقوق و حق بیمه همراه با برخی مزایای حقوقی خود را طلب دارند.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۸ مهر ۱۴۰۲، ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۳

-روز شنبه هشتم مهر ماه بخشهای مختلف کارگران مخابرات استان آذربایجان شرقی یعنی کارکنان رسمی، شرکتی و بازنشستگان این شرکت در اعتراض به سطح نازل حقوقها و وضع بد معیشتی خود همزمان با سفر مدیرعامل و هیات مدیره شرکت به این شهر برای شرکت در جلسه افتتاح پروژه نجما در محوطه ساختمان مرکزی مخابرات استان در شهر تبریز تجمع کردند و به وضعیت بد معیشتی خود و سطح نازل حقوقها و دریافتی ها و حقوقهای معوقه اعتراض کردند. نشست بر سر سفره ای خالی، یک شکل از بیان اعتراض کارگران به وضعیت نازل معیشتی خود بود.

- روز ۵ مهر کارگران فولاد خزر واقع در

شهرک صنعتی رشت در اعتراض به

وضعیت بلا تکلیف شرکت و وضعیت

شغلی خود و نیز سطح نازل دریافتی ها

و معیشت فقیرانه خود دست به تجمع

اعتراضی زدند. به گفته کارگران از

ابتدای شهریورماه سال جاری تولید در

این واحد تولیدی که تولید کننده انواع

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوما به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست

محکومیت کارگران معترض به شلاق و زندان گستاخی و توحش است

۱۷ کارگر گروه فولاد به زندان و شلاق محکوم شده اند



احکام عصر بربریت، را در خارج از این قوانین و بیدادگاههای حکومتی و در کف خیابان باید داد. اعتراضات گسترده کارگری بویژه اعتراض کارگران در فولاد اهواز بسیار مهم است.

گروه ملی فولاد اهواز یک کانون داغ اعتراضات کارگری با تجربیات بسیار ارزنده ای از مبارزه و مقابله با سرکوبگریهای حکومت است. طنین شعارهای اعتراضی این کارگران در کف خیابان که فریاد میزدند "ما کارگران فولاد، علیه ظلم و بیداد می جنگیم می جنگیم"، "کشور ما دزدخونه است توی جهان نمونه است" هنوز در اذهان جامعه زنده است. این کارگران در سالهای گذشته اعتراضات گسترده ای علیه بساط دزدسالار حاکم و وضعیت بد معیشتی و کاری خود و خطر به تعطیلی کشیده شدن کارخانه داشتند و با مبارزانشان موفق شدند جلوی به تعطیلی کشانده شدن شرکت و اخراج ها را بگیرند و اشتغال خود را حفظ کنند.

احکام صادره علیه هفده کارگر گروه ملی باید با واکنش اعتراضی گسترده و محکم و سراسری پاسخ بگیرد. باید این احکام فوراً لغو شود و پرونده های امنیتی تشکیل شده برای این کارگران بسته شود. شلاق این شکل وحشیانه مجازات اسلامی باید ممنوع گردد. باید با اعلام اینکه جای حکومت زندان و شلاق و اعدام پشت میز محاکمه است، صدای اعتراض خود را جهانی کنیم. جمهوری اسلامی باید در سطح جهان بایکوت و از همه نهادهای بین المللی بیرون انداخته شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

Shahla.daneshfar2@gmail.com

<https://www.free-them-now.com/>

۶ مهر ۱۴۰۲، ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۳

در پی شکایت کارفرمای گروه ملی فولاد ایران ۱۷ کارگر معترض این شرکت در اهواز به زندان و شلاق و پرداخت جریمه محکوم شدند. این کارگران به اتهام "اخلال در نظم عمومی از طریق ایجاد هیاهو و جنجال" به پرداخت دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان جزای نقدی بدل از سه ماه حبس تعزیری و تحمل ۷۴ ضربه شلاق تعزیری محکوم شدند.

اسامی این کارگران عبارتند از: مهدی ولی پور، خالد شریفی، رعید عبیدادی، طارق خلفی، سیدرسول چراگ، نادر حردانی، علی نادری، مهدی نگرایی، مسعود حیدری، عبدالحسین حمیدی پور، مصطفی عیبات، عبدالکریم سیاحی، کاظم حیدری، علی الهی فر، هادی وائلی زاده، حسن جاوید حمودی و غریب حویزاری.

در حالیکه حکومت اسلامی در حلقه محاصره مردم قرار دارد و مردم با مبارزات هر روزه خود تداوم انقلاب را فریاد میزنند و سربلند کردن قدرتمند اعتراضات کارگری به کابوسی دائمی برای رژیم تبدیل شده است، جمهوری اسلامی با چنین احکام وحشیانه ای میکوشد که چنگ و دندان کثیفش را نشان دهد. اما خودش نیز میدانند که سلاحش باروتی ندارد. از همین رو حکم شلاق این کارگران به مدت سه سال به حالت تعلیق در آمده است. تعلیقی است بخاطر اینکه حکومت جرات اجرای آنرا ندارد و میدانند چه هزینه سنگینی برایش خواهد داشت.

اعتراضات قدرتمند کارگران فولاد در سال ۹۷ که فریاد شعارهایشان فضای شهر را گرفت و اهواز را به تحرک در آورد گواه ناتوانی حکومت در برابر قدرت اعتراض کارگران است. بویژه امروز در شرایط انقلابی جامعه حتی طرح چنین احکامی بر روی کاغذ بیش از هر چیز به خشم و اعتراض کارگران شعله میزند و برای حکومت بازی با آتش است. باید با اعتراضات گسترده به این گستاخی حکومت، قاطع و محکم پاسخ داد.

پرونده محاکمه هفده کارگر گروه ملی فولاد اهواز با شکایت "شرکت صنعتی و بازرگانی شفق راهیان اکسین" و گزارش حراست این شرکت، بخاطر اعتراضات کارگران این مجتمع کارگری علیه وضعیت مدیریتی شرکت و بساط دزدی ها و چپاولگریهایشان و اعتراض آنان به سطح نازل دستمزدها از جمله عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل که میتواند بهبودی اندک در دستمزدها ایجاد کند، تشکیل شده است. این پرونده و احکام صادر شده علیه هفده کارگری گروه ملی نمونه دیگری از همدستی و یکی بودن حکومت و قانون و دستگاه سرکوب با کارفرمایان مفتخور در مقابله با کارگران معترض است. طبق روال کارگران بیست روز فرصت دارند تا شکایت خود را برای تجدید نظر در این حکم ارائه دهند. اما پاسخ درخور به چنین

ماهواره یاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com